

متن پرسش

سلام و عرض ادب: استاد چاره کار چیست عبادت، عادت نشود، حتی ممکنه کسی نماز شب را از روی عادت بخونه، یا حتی روزه رجب و شعبان را، خیلی هنر کنه به خاطر کسب خیر دنیا و آخرت نماز شب بخونه چرا که از اون عزیز شنیده «دنیا میخوای نماز شب بخون آخرت هم میخوای نماز شب بخون»، این کاسبی کجا و اون «الهی سر برود سحر نرود» کجا، این تجارت کجا و اون قلب شائق کجا؟ چاره چیست؟ چه باید خواند؟ چه باید کرد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حکایت عجیبی است در نسبت بین «عبد» و «رب». جناب عَمّان سامانی در این مورد گفته‌ها دارد:

چون دل عشاق را در قید کرد
خودنمایی کرد و دلها صید کرد
امتحانشان را ز روی سر خوشی
پیش گیرد شیوه عاشق کشی
در بیابان جنونشان سر دهد
ره بکوی عقلشان کمتر دهد
دوست میدارد دل پر دردشان
اشکهای سرخ و روی زردشان
چهره و موی غبار آلودشان
مغز پر آتش، دل پردودشان
دل پریشانیشان کند چون زلف خویش
زآنکه عاشق را دلی باید پریش
خم کند شان قامت مانند تیر
روی چون گلشان کند همچون زریر
یعنی این قامت کمانی خوشترست
رنگ عاشق زعفرانی خوشترست
تا گریزد هر که او نالایق‌ست

درد را منکر، طرب را شایق‌ست

و این‌جا است که انسان نمی‌داند با این «خدا» چه کند! با هزار امید به سوی او می‌روی و بعد آن‌چنان با جلال‌اش روبه‌رو می‌شوی که گویا هیچ راهی برای‌ت گشوده نشده است و پس آن‌گه باز به خود می‌آیی که گویا تنها و تنها راه، همین است که با «او» باشی هرچند که هزاران کرشمه پیش می‌آورد تا غنای خود را به رُخ ما بکشد و ما نیز فدای همان غنای او می‌شویم و همچنان «در دل دوست به هر حيله رهی باید جست» و ناز او را می‌کشی و باز، ناز او را می‌کشی. فدای او با همه نازهایش. این است خدای ما. موفق باشید